



الزامات امنیتی برنامه اتمی ایران در دوران حکومت محمد رضا شاه پهلوی

علی رضا علی صوفی^۱، مهری ادریسی^۲، محمد مهدی پورمازار^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۱۷

چکیده:

احمد رضا شاه پهلوی در دهه پنجاه خورشیدی برای تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران برنامه اتمی گسترده‌ای را آغاز نمود. سوال اصلی این است که الزامات امنیتی این برنامه در بعد داخلی و خارجی چه بود؟ پژوهش نظری حاضر با بهره‌گیری از بررسی‌های تاریخی، توصیفی و استدلالی با رویکردی تحلیلی نشان می‌دهد که این برنامه همگام با برنامه‌های عمرانی و با نگاهی به آمایش سرزمینی ابتدا با دیدی ژئواکونومیکی با هدف تولید انبوه برق هسته‌ای به جهت تنوع در سبد سوختی و فرار از اتکا به سوخت فسیلی برای نیاز روزافزون به مصرف داخلی انرژی شروع شد تا با گسترش زیرساخت‌ها به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی و نفوذ ایران در بازار انرژی و ابزاری سیاسی و امنیتی برای افزایش قدرت ایران درآید. سیاست مستقل ملی شاه آن بود تا به پشتوانه مواهب جغرافیایی کشور در مهار فناوری اتمی بکوشد تا با تکمیل چرخه کامل سوخت هسته‌ای ضمن افزایش امنیت انرژی، با دستیابی به نقطه فرار اتمی ضامن حفظ برتری نظامی و توازن قوا در منطقه با اتکا به فناوری هسته‌ای باشد ولی دستیابی به چنین توانی به دلیل وقوع تغییرات وسیع در جغرافیای سیاسی منطقه با چالش‌هایی روبرو گردید و بستری برای تقابل آتی میان ایران و آمریکا شد.

واژگان اصلی: امنیت، برنامه اتمی ایران، جغرافیای سیاسی، فناوری هسته‌ای، محمد رضا شاه پهلوی.

ar.soufi@PNU.ac.ir

^۱: دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول

^۲: دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^۳: دانشجوی دکتری تاریخ پس از اسلام، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه

مقدمه و روش تحقیق

ایران در دوران جنگ سرد به دلیل قرار گیری در منطقه حائل در مرز بین هارتلند و ریملند بین دو قدرت قاره‌ای و دریایی امکان قرار گیری در یک اتحاد استراتژیک و مناسب برای حفظ امنیت خود را نیافت و با وجود مخاطرات امنیتی جدی در پیمان نظامی قابل اتکایی وارد نشد. شاه با نگرانی از نفوذ کمونیسم و بهم خوردن توازن قوا در منطقه در پی دستیابی به هر امکانی برای حفظ امنیت از دیدگاه واقع گرایانه برآمد و در این راه به سیاست مستقل ملی روی آورد تا نیازهای امنیتی ایران را برای تضمین بقا با کسب حداکثر قدرت با اتمی شدن تامین کند در حالی که این فناوری به عنوان ابزاری راهبردی در انحصار قدرت های بزرگ قرار داشت. هزینه‌های بالای این فناوری باعث میشد معدودی از کشورهای ثروتمند و از جمله کشورهای صادر کننده نفت امکان پرداخت هزینه‌های خرید این فناوری و تجهیزات آنرا داشته باشند و در این بین ایران با پشتوانه افزایش بهای نفت در دهه هفتاد میلادی خریدار مناسبی برای شرکت های صاحب تکنولوژی غربی محسوب میشد تا به کمک آن به کمبودهای جمعیت رو به رشد خود در زمینه‌های مختلف پزشکی، بهداشتی، صنعتی و بخصوص انرژی پاسخ دهد و در کنار آن نیم نگاهی نیز به توانایی‌های این فناوری در بازدارندگی داشته باشد، لذا برنامه اتمی ایران تحت تاثیر عوامل ژئوپلیتیکی در سال ۱۳۵۳ با تشکیل سازمان انرژی اتمی شکل گرفت و هدف از این تحقیق تاثیر متقابل آن را بر امنیت داخلی و خارجی است. این تحقیق به روش توصیفی، تحلیلی با استفاده از رویکرد اسنادی در گردآوری اطلاعات به کمک ابزار جمع آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است تا الزامات امنیتی برنامه اتمی ایران را با توجه به نظریه‌های حاضر در علم جغرافیای سیاسی با بهره گیری از منابع در دسترس همراه با استدلال‌های تاریخی تحلیل نماید.

پیشینه تحقیق

از بین نویسندگانی داخلی مهدی نیکوکار (۱۴۰۲)، در مقاله جغرافیای تاریخی و امنیت ملی ایران، تحلیلی از چالش‌های جغرافیایی مرتبط با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و تأثیرات آن بر ثبات و امنیت کشور ارائه می‌کند. علی حسینی (۱۳۹۸)، در مقاله تأثیرات جغرافیایی بر برنامه هسته‌ای

ایران، به بررسی چگونگی تأثیر جغرافیا بر توسعه و مدیریت برنامه هسته‌ای ایران می‌پردازد. محمدرضا میرمیرانی (۱۳۹۷)، در کتاب جغرافیای سیاسی ایران به بررسی تأثیرات جغرافیایی بر برنامه هسته‌ای ایران بعد از انقلاب و چالش‌های امنیتی ناشی از آن پرداخته است. علی انصاری (۱۳۹۳)، در مقاله ژئوپلیتیک برنامه هسته‌ای ایران، بر تحلیل برنامه هسته‌ای ایران در مقطع برج‌ام تمرکز دارد. جمعی از دیپلمات‌های وزارت خارجه (۱۳۹۰)، در کتاب تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان، به قوانین بین‌المللی در مورد فناوری هسته‌ای و توافقات هسته‌ای ایران با سایر کشورها پرداخته‌اند. مهدی علیخانی (۱۳۸۹)، در کتاب سیر تحولات ۵۰ ساله فن‌آوری هسته‌ای ایران، به سیر تاریخی موضوع به صورت توصیفی پرداخته و کمتر وارد تحلیل در زمینه شده است. داوود عریاق زندی (۱۳۷۸)، در کتاب ایران و مسئله هسته‌ای، در مجموعه مقالاتی در پژوهشگاه مطالعات راهبردی سعی در تبیین سیاست‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران دارد و مصطفی دلاورپور (۱۳۸۷)، در کتاب ایران هسته‌ای نماد اراده ملی در برابر نظام هژمونیک، با دیدگاهی ایدئولوژیکی جهت‌گیری برنامه هسته‌ای ایران را در سال‌های اخیر بیان می‌کند.

از بین نویسندگان خارجی مایکل آیزنشتات و اریک اچ. براون (۲۰۱۶)، در مجموعه مقالات ایران هسته‌ای: تهدیدها و پاسخ‌ها، با بررسی پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران بر اهمیت استراتژیک تأسیسات هسته‌ای در خاورمیانه تأکید دارند. زنوزی، ر. (۲۰۱۶). در مقاله تحلیل ژئوپلیتیک برنامه اتمی ایران در دوران محمدرضا شاه آن را ابزار مهمی در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کشور می‌داند. جرج کرو (۲۰۱۳) در کتاب ایران و انرژی هسته‌ای: گذشته و آینده به نقش ارتش شاهنشاهی در حمایت از این برنامه و ضرورت حفظ امنیت تأسیسات هسته‌ای اشاره کرده است. جان و. پارکر (۲۰۱۲)، در کتاب برنامه هسته‌ای ایران: مطالعه‌ای در گسترش تسلیحات و دیپلماسی، در مورد مکان‌های تأسیسات هسته‌ای و واکنش بین‌المللی درباره برنامه‌های هسته‌ای ایران سخن می‌گوید. مایکل آ. لوی و دیگران (۲۰۱۲)، در کتاب چالش هسته‌ای ایران: امنیت، استراتژی و سیاست، تحلیلی از چالش‌های هسته‌ای شدن ایران ارائه می‌دهد که در استراتژی امنیتی و روابط بین‌الملل نقش دارند.

با دقت در این آثار می‌توان دید که اغلب آنها دوره پس از انقلاب را در برمی‌گیرند یا به تأثیرات متقابل جغرافیا بر برنامه هسته‌ای ایران تأکید دارند در حالی که این تحقیق به طور خاص به بررسی

الزامات امنیتی برنامه اتمی ایران در دوران حکومت محمدرضا شاه می‌پردازد تا نقش جغرافیای سیاسی بر روی تصمیم‌گیران ارشد برنامه هسته‌ای ایران در زمان تشکیل سازمان انرژی اتمی را از دیدی ژئواکونومیکی در حوزه داخلی به جهت تامین امنیت انرژی برای حفظ نظم اجتماعی و در حوزه خارجی به جهت حفظ ثبات و امنیت مرزها با تداوم برتری نظامی در منطقه را نشان دهد.

مبانی نظری تحقیق

جغرافیای سیاسی به رابطه متقابل بستر و روند تاریخی و تاثیر مبانی جغرافیایی بر عملکرد نظام سیاسی تاکید دارد

(Walsh, ۱۹۴۴: ۱۲-۳۹). ماهان با برتری بریتانیا در بازی بزرگ قرن نوزده، تسلط بر دریاها را لازمه سلطه جهانی دید (Mahan, ۱۸۹۰: ۲۵-۸۹). مکیندر حاکمیت برهاتلند را به معنی اداره کل جهان دانست و چون قدرت دریایی نمی‌توانست اجازه دهد قدرت قاره‌ای بر کل هسته اوراسیا با وجود غیر قابل نفوذ بودن آن تسلط یابد، درگیری برای چند پارگی یا تبدیل هارتلند به زمین سوخته برای ادامه تسلط جهانی را الزامی می‌کرد (Mackinder, ۱۹۴۳: ۵۹۵-۶۰۵). اسپایکمن از تسلط بر ریملند یا سرزمین‌های مرزی بین دو قلمرو زمینی و دریایی یا در واقع محاصره هارتلند جهت خفگی ژئوپلیتیک قدرت قاره‌ای برای سلطه بر اروسیا و سپس جهان صحبت کرد (Spykman, ۱۹۴۲: ۷۲-۴۵۷). فیرگریو اصطلاح کمربند شکننده را برای این ناحیه از هم پاشیده از کشورهای حائل به کار برد (Fairgrave, ۱۹۸۳: ۱-۱۷). پس از جنگ دوم جهانی سورسکی خواهان اعمال هژمونی هسته‌ای آمریکا در این مناطق شکننده برای برتری بر رقیب قاره‌ای شد (Seversky, ۱۹۵۰: ۳۱۲). با آزمایش اتمی شوروی و برقراری توازن قوا مرزهای ژئوپلیتیکی تحت فشار بیشتری برای مهار رقیب قرار گرفتند (Cohen, ۲۰۱۷: ۱۱-۶۰). آمریکا می‌خواست که شاه نقش بیشتری برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در خاورمیانه ایفا کند در حالی که حاضر به اتحاد استراتژیک با ایران نبود (Brzeinski, ۱۹۸۶: ۵۲-۶۵). نگرانی‌های امنیتی شاه با ورود غرب آسیا به عصر اتم با سیاست ابهام هسته‌ای اسرائیل و آزمایش اتمی هند فزونی یافت، چون آمریکا حاضر با ارائه تضمین امنیتی مناسب به ایران مطابق نظریه مکیندر در مرز حائل شکننده بین هارتلند و ریملند نبود و ایران در صورت بروز جنگ با بلوک شرق خود را در تنهایی استراتژیکی می‌دید (Misbahi, ۱۴۰۳: ۲۹)، لذا شاه به اخذ

سیاست مستقل ملی روی آورد و برنامه هسته‌ای وسیعی را به موازات تقویت ارتش تدارک دید تا علاوه بر تامین امنیت انرژی با رسیدن به نقطه بدون بازگشت هسته‌ای بتواند در زمانی کوتاه قادر به حفظ ثبات و امنیت خود در صورت به هم خوردن توازن قوای منطقه‌ای باشد.

الزامات امنیتی برنامه اتمی ایران در حوزه داخلی

با ایجاد بحران انرژی برای جمعیت رو به رشد ایران در پی رشد صنعتی و توسعه شهرنشینی در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه شمسی ریسک اتکا به سوخت‌های فسیلی افزایش یافت و تامین امنیت انرژی به یک باید استراتژیک تبدیل شد و پارامترهای اقتصادی، محیط زیستی، ایمنی و بخصوص تضمین تداوم در سبد مطلوب انرژی هدف گذاری گردید (Delavarpour Aghdam, ۲۰۰۸: ۲۰۶). با توجه به این شرایط استفاده از برق اتمی به گزینه‌ای قابل اتکا در سبد انرژی ایران مطرح شد و برنامه اتمی ایران برای دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای هدف گذاری گردید تا با کاهش وابستگی به خارج امنیت انرژی به میزان بیشتری تامین گردد (Rafsanjani Nejad, ۲۰۱۹: ۱۲۵).

تولید برق اتمی به روش شکافت هسته‌ای علاوه بر پایین آوردن تولید گازهای گلخانه‌ای، اهدافی سیاسی و استراتژیک دیگری را نیز در دسترس قرار می‌داد که موجب بالا بردن سطح توانایی‌های ملی می‌شد (Karimi, ۲۰۱۸: ۱۳۸۰). این فناوری کاربردهای صلح آمیزی در بخش‌های پزشکی و بهداشتی، دامپروری و کشاورزی، مدیریت منابع آب، صنایع و معادن و بخصوص صنعت نفت داشت که می‌توانست موجب کاهش مشکلات گوناگون جامعه در حال گذار ایران شود و زمینه علمی و عملی لازم برای رسیدن به فناوری گداحت هسته‌ای به عنوان فناوری‌ای در حال تکوین را فراهم کند (Ashkoori and others, ۱۰۰-۱۰۴)، لذا در ماده سه قانون تشکیل سازمان انرژی اتمی در سال ۱۳۵۳ علاوه بر ساخت نیروگاه‌های اتمی برای تامین برق و شیرین کردن آب جهت مصارف صنعتی، شهری و کشاورزی، به تولید ایزوتوپ‌های لازم در پزشکی و صنعت تاکید شد تا زیر بنای علمی و فنی لازم در راستای برنامه توسعه و تحول کشور فراهم آید (History of Nuclear Energy in Iran and the World, ۲۰۰۷: ۲۷). فناوری هسته‌ای بالاترین سطح جهانی از توانایی‌های علمی و فنی را فراهم می‌کرد که موجب اعتماد به دیگر محصولات تولیدی

کشور می‌شد و نوعی اقتدار در بعد داخلی ایجاد می‌کرد که عامل مهمی در کسب رضایت عمومی و عامل مشروعیت بود (Hormoz, ۲۰۱۰: ۱۹۶)، لذا ابزار مناسبی در راستای انقلاب سفید محسوب می‌شد تا با اشتغال غالب کارگران ماهر و نیمه ماهر در صنایع سنگین و نیمه سنگین و صدور محصولات صنعتی، ایران را به سوی درهای تمدن بزرگ هدایت کند (Nemati, ۲۰۱۶: ۲۵). موسسه تحقیقاتی استنفورد آمریکا به تقاضای سازمان برنامه و بودجه در سندی بیست جلدی دورنمای توسعه اجتماعی، اقتصادی و صنعتی بیست ساله ایران را در سال ۱۹۷۳ ارائه نمود که در آن پیشرفت صنعتی و اقتصادی ایران متکی به تولید ۲۰ هزار مگاوات برق تا سال ۱۳۶۴ از طریق تأسیس نیروگاه‌های هسته‌ای بود (Najafi and Moghadam, ۲۰۰۷: ۸۴). دلایل این موسسه صرفه جویی منابع فسیلی معادل یازده میلیون بشکه نفت خام در سال برای هر هزار مگاوات برق اتمی تولیدی که با صادرات آن با قیمت‌های پیشینی شده نزدیک به هفتصد میلیون دلار و نیز جلوگیری از انتشار هفت میلیون تن گاز گلخانه‌ای به ازای هر نیروگاه هزار مگاواتی بود، همچنین ساخت نیروگاه‌های اتمی بهترین راه مصرف درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت میبود تا با بهبود زیر ساخت‌ها و توسعه کشور نوعی سرمایه گذاری برای آیندگان باشد (Alikhani, ۲۰۱۰: ۲۳). ایران از بزرگترین دارندگان ذخایر نفت و گاز دنیا به شمار میرفت و انرژی به عنوان یکی از ابزارهای کسب ثروت و قدرت و از مهمترین متغیرهای ژئوپلیتیکی برای حفظ سیادت در عرصه بین‌المللی بود (Ghanbari, ۲۰۱۸: ۳۳). نفت به عنوان شالوده اقتصاد ایران و کالایی استراتژیک امکان رقابت پذیری کشور را فراهم می‌کرد و گزینه امنیتی بالقوه‌ای در معادلات منطقه‌ای محسوب می‌شد (Misbahi, ۱۴۰۳: ۴۱). استفاده بهینه از منابع فسیلی برای اقتصاد تک محصولی ایران حیاتی بود و شاه میخواست از نفت در صنایع تبدیلی مانند پتروشیمی با ارزش افزوده بیشتر به جای تولید انرژی استفاده کند (Afkhami, ۲۰۰۹: ۲۱۱). کشورها برای رشد اقتصادی به نفت متکی بودند و حیات اقتصادی ایران نیز وابسته به صادرات آن بود لذا لازم بود با مهار مصرف داخلی میزان صادرات نفت حفظ شود که راه آن ساخت به موقع نیروگاه‌های برق اتمی و خروج از دوران نفت با راه اندازی ۲۵۰۰ مگاوات برق هسته‌ای اعلام شد (Pahlavi, ۱۳۷۱: ۱۲۷-۴۷۶). وابستگی به نفت در سبد سوختی در کنار ضعف در تامین مواد پتروشیمی در زنجیره تولید، ضعف مهمی در ابعاد اجتماعی،

اقتصادی و سیاسی محسوب می‌شد که می‌توانست با ایجاد تنش موجب عدم ثبات اجتماعی شود به طوری که سازمان برنامه و بودجه در یک دورنمای ۲۰ ساله کمبود انرژی در دهه هفتاد شمسی را یک تهدید جدی برای توسعه اقتصاد ایران برشمرد که تغییر آن ضروری بود (Afkhami, ۲۰۰۹: ۶۲۲-۸۱۰). تولید مقدار کافی برق اتمی برای اقتصاد در حال رشد ایران ضمن کاهش میزان مصرف فراورده‌های نفتی، امکان استفاده از آنها را در پتروشیمی فراهم می‌کرد که با ایجاد زنجیره‌ای از تولید صنعتی ارز آوری داشت و همچنین با ایجاد اشتغال مشکل بیکاری جمعیت جوان کشور را کاهش می‌داد (Alikhani Sadr, ۲۰۰۹: ۷۱-۹۲). برآورد ها در آن دوران عمر ذخایر نفتی را محدود نشان میداد و ایجاد صنایعی مانند پتروشیمی و هسته ای برای امکان بقای حیات اقتصادی ایران در دوران پس از نفت ضروری بود (Fuller, ۲۰۰۸: ۲۸۲-۲۸۰). لذا انرژی سازمان انرژی اتمی سهمی ۲۰ درصدی در سبد انرژی کشور در چشم اندازی ۲۰ ساله بر عهده گرفت و مکلف به راه اندازی سالی یک نیروگاه اتمی هزار مگاواتی شد (Etemad, ۱۳۷۶: ۸۶-۸۷). شاه با وجود هزینه‌های زیاد ساخت‌های نیروگاه‌های هسته‌ای که می‌توانست با فشار بر بودجه کشور موجبات نارضایتی عمومی را فراهم کند بر ایجاد این زیر ساخت‌ها اصرار داشت (Alikhani, ۲۰۰۱: ۱۰۸)، زیرا معتقد بود باید در مدت کوتاه ثروت زیر زمینی به ثروت رو زمینی تبدیل شود و بخشی از درآمدهای حاصل از نفت در بخش انرژی سرمایه گذاری گردد تا با تولید وسیع برق هسته‌ای توجیه اقتصادی داشته باشد (Milani, ۲۰۱۵: ۳۷۴). تجربه سرمایه گذاری‌های مناسب که سبب افزایش ظرفیت تولید نفت ایران شده بود موجب شد سازمان انرژی اتمی با هزینه سالانه چند صد میلیون دلاری شروع به ساخت نیروگاه‌های اتمی با سرمایه داخلی نماید تا با تامین اعتبار از سرمایه گذاری خارجی برای ادامه کار جلوی ضرر چند میلیارد دلاری کمبود انرژی به اقتصاد کشور را بگیرد (Yazdani Rad, ۲۰۱۹: ۲۳۱-۲۳۲). با توجه به موارد فوق می‌توان دلایل توسعه برنامه اتمی ایران در دهه پنجاه شمسی در حوزه امنیت داخلی را در دو بخش دید، اول ژئواکونومیک با تامین انرژی پایدار، مقرون به صرفه و متناسب با محیط زیست و دوم، کسب اقتدار و اعتبار ملی و بین المللی با دستیابی به فناوری پیشرفته اتمی به جهت تحقق برنامه‌های توسعه عمرانی پنج ساله در راستای سیاست مستقل ملی که می‌توانست با ایجاد مشروعیت موجب ثبات داخلی گردد.

الزامات امنیتی برنامه اتمی ایران در حوزه خارجی

رقابت‌های دیرین در غرب آسیا موجب تمرکز بر وجود تهدید از ناحیه دیگران بود. شاه با درک اهمیت امنیت خلیج فارس، مرزهای دریایی ایران را در اقیانوس هند می‌دید که با خروج بریتانیا از شرق سوئز منطقه‌ای عاری از حضور ابرقدرت‌ها اعلام شد که با ورود ناوگان شوروی و آزمایش اتمی هند در خطر افتاد. بخصوص که پس از تجزیه پاکستان در جنگ با هند و کودتای نیروهای چپ‌گرا در عراق در مرزهای شرقی و غربی خطر بیشتری احساس می‌شد (Taromseri and others, ۱۹۸۵: ۱۸۲). ورود به عصر اتم موجب تغییر در معادلات شد تا بازدارندگی هسته‌ای به گزینه‌ای جدی برای ایجاد توازن قوا تبدیل شود، تسلیح مدام عراق از سوی شوروی به رقابت تسلیحاتی دامن می‌زد و ایران نگران از اتمی شدن عراق توسط فرانسه مانند اسرائیل بود (Karimi, ۲۰۱۸: ۱۲۴-۱۲۵). اسرائیل در نبود عمق استراتژیک به سلاح هسته‌ای بر مبنای دکترین ابهام اتمی دست یافته بود در حالی که مخالف اتمی شدن سایر کشورها بود تا هژمونی منطقه‌ای خود را حفظ کند (Koshki et al., ۱۴۰۰: ۱۴۵). با این وجود آمریکا با وجود داشتن روابط استراتژیک با ایران هیچ گاه آن را متحد استراتژیک خود ندید و حاضر به ارائه چتر اتمی در صورت حمله شوروی یا همپیمانانش نشد (Misbahi, ۱۴۰۳: ۸). با اتمی شدن غرب آسیا توازن قوای جدیدی شکل گرفت و ایران در نبود تضمین امنیتی لازم به خرید بالای تسلیحات متعارف بر اساس توازن تهدید دست زد (Little, ۲۰۱۰: ۳۲)، همچنین برنامه هسته‌ای وسیعی را تدارک دید و با پذیرش معاهده ان.پی.تی. آن را قانونمند نمود (Rafsanjani Nejad, ۲۰۱۰: ۴۷-۵۰). این تصمیمات ناشی از سیاست مستقل ملی شاه و عکس‌العملی به تجربه‌های تلخ اشغال ایران توسط قدرت‌های بزرگ بود که ایجاد موازنه مثبت و حرکت به سمت ناسیونالیسم را در تنهایی استراتژیک ایران در مقابل تجاوز همسایگان در طول تاریخ الزامی مینمود (Azghandi, ۲۰۰۴: ۳۳۶).

شاه در سال ۱۹۷۴ در سفر به فرانسه اعلام کرد که در صورت همکاری کشورهای منطقه برای تبدیل خاورمیانه به منطقه عاری از سلاح اتمی آماده است، در غیر این صورت ایران زودتر از آنچه تصور میشود به سلاح هسته‌ای دست خواهد، این سخنان با وجود تکذیب سفارت ایران حساسیت‌های

زیادی را برانگیخت، لذا شاه در مصاحبه با واشنگتن پست سلاح‌های پیشرفته خریداری شده را بزرگ‌ترین ضامن عدم دستیابی ایران به سلاح اتمی ذکر کرد و در مصاحبه با مجله اشپیگل در ۲۱ ژانویه ۱۹۷۵ سلاح اتمی را مخمل برنامه اتمی ایران برای تولید ۲۳ هزار مگاوات برق اتمی دانست، ولی تأکید کرد اگر دیگران به سمت سلاح اتمی بروند، ما ناگزیر به داشتن آن می‌شویم (Joyner, ۲۰۱۷، ۲۴-۲۵). شاه در مصاحبه با هیکل نیز جایگاه ژئوپلیتیکی ایران را دلیل خرید حجم انبوه سلاح را برای حفظ امنیت و ثروت و اجرای نقش خود در خاورمیانه پرآشوب برشمرد و با اشاره به تقویت نیروی هوایی از نیت خود برای جلوگیری از هرگونه نفوذ به خاک ایران، داشتن بمب هسته‌ای بخصوص در برابر شوروی را بی‌معنی دانست، چون علاوه بر هزینه‌های گزاف تولید و نگه‌داری، مزاحم برنامه تولید انرژی بود ولی تأکید کرد اگر قرار باشد کسی در منطقه اتمی شود، ما هم باید بمب هسته‌ای داشته باشیم (Heikal, ۲۰۱۴: ۲۵۶). با وجود این حرف‌های دوپهلوشواید زیادی مبنی بر تمایل شاه به دستیابی به توانایی نظامی اتمی وجود دارد، خرید دستگاه‌های غنی‌سازی لیزری اورانیوم از شرکتی در آمریکا به بهانه تحقیقات پلاسما، قرارداد مخفیانه خرید مقدار زیادی سنگ معدن فراوری شده اورانیوم موسوم به کیک زرد از آفریقای جنوبی، تحقیقات سازمان انرژی اتمی در مورد بازفراوری سوخت اتمی و مهمتر از همه مأموریت‌هایی مجزا به دانشمندانی در سازمان انرژی اتمی درباره مطالعه در مورد بمب اتمی این گمان را تقویت می‌کند (Vaziri, ۱۳۷۸: ۱۲۲). شاه قصد خرید سه زیر دریایی تهاجمی هسته‌ای را نیز از آمریکا داشت که پس از مخالفت نیروی دریایی ایالات متحده برای خرید زیردریایی‌های اتمی به فرانسه روی آورد تا نیروی دریایی ایران را به بزرگ‌ترین نیروی دریایی خلیج فارس و اقیانوس هند تبدیل کند (Hosseini, ۲۰۱۵: ۱۴۷). نیروی هوایی ایران هم در فقدان بمب افکن‌های دوربرد سفارش خرید و تولید مشترک موشک با قابلیت حمل بمب هسته‌ای از آمریکا را داشت که با توجه به هزینه بالای آن گامی به سوی هسته‌ای شدن محسوب می‌شد و به همین دلیل از طرف کنگره ایالات متحده پذیرفته نشد (McGlinchie, ۱۴۰۰: ۱۸۴-۱۸۱). شاه که برای دستیابی به فناوری موشکی مصمم بود تا از آن برای تکمیل پازل بازدارندگی هسته‌ای خود استفاده کند، در پروژه‌ای به نام شکوفه در سال ۱۹۷۷ یک قرارداد سری یک میلیارد دلاری در قبال معامله نفتی برای خرید موشک‌های با قابلیت توانایی حمل بمب اتمی را

با اسرائیل منعقد کرد

(Ronen Bergman, ۲۰۰۹, ۱۸۳). آمریکا در عکس العمل به این گزارش‌ها از ریچارد هولمز سفیر خود در تهران خواستار توضیح این موارد از ایران شد. شاه در دیدار با او تاکید کرد که به گمانش مسابقه تسلیحاتی اتمی برای ایران بی فایده است، چون با چند بمب توان مقابله با شوروی را ندارد. با این وجود علم در یادداشت‌های خود بارها ادعا می‌کند که همه تکذیب‌های شاه و مقامات ایرانی مصلحتی اند و شاه به راستی در فکر دستیابی به بمب اتمی است، چون هزینه شش برابری ساخت نیروگاه هسته‌ای به جای گازی از نظر اقتصادی منطقی نیست و در این زمینه به دستور شاه برای تأسیس دانشگاه علوم و فنون نظامی در مورد پژوهش‌های هسته‌ای و شیمیایی در نزدیکی مراکز هسته‌ای در دست ساخت اصفهان اشاره می‌کند (Alikhani, ۲۰۰۱: ۱۰۷). شاید مهمترین فرد برای اظهار نظر در مورد نیت اتمی شاه، اکبر اعتماد اولین رئیس سازمان انرژی اتمی باشد. او از شاه نقل می‌کند "ایران کشور اصلی منطقه است و باید از لحاظ نظامی و دارا بودن سلاح‌های پیشرفته در ارتش قوی باشد تا بتواند از منافع ملی خود دفاع کند. داشتن چند بمب اتمی می‌تواند برنامه انرژی هسته‌ای مملکت را دچار اختلال کند، چون کشورهای خارجی در دادن وسایل و فناوری همکاری نمیکنند ولی اگر روزی برتری نظامی ایران بهم بخورد یکی از راه حل‌ها ممکن است ساخت سلاح هسته‌ای باشد" (Yazdani Rad, ۲۰۱۹: ۱۸۶-۱۸۷) اکبر اعتماد می‌گوید "از آن روز به عنوان مسئول سازمان انرژی اتمی وظیفه خود دانستم به جهت حفظ تمامیت ارضی و امنیت ایران تمام آمادگی‌های لازم را فراهم کنم، لذا در پی دستیابی به فناوری‌های لازم و جذب متخصصین در تکمیل پازل هسته‌ای ایران برآمدم که با وظایف اصلی سازمان انرژی اتمی منافاتی نداشت، چون فناوری‌های هسته‌ای مانند غنی سازی کارکردهای دوگانه صلح آمیز و غیر صلح آمیز دارد که کشور دارنده را از هر جهت توانمند میسازد" (Karimi, ۲۰۱۸: ۸۱-۸۵). امنیت در نظام بین الملل بستگی به ساختارهای نظامی، اقتصادی و اجتماعی هر کشوری دارد که پیش بینی و برنامه ریزی یک آینده قابل قبول و مستمر را ممکن کند. شاه در پی ورود غرب آسیا به عصر اتم و با توجه به مخاطرات جدی‌ای که امنیت ایران را از جهات گوناگون تهدید می‌کرد با در پیش گیری سیاست مستقل ملی سعی در رسیدن به خود اتکایی برای تبدیل توانایی‌های ذاتی ژئوپلیتیکی ایران به یک قدرت منطقه‌ای

را داشت و اتمی شدن راهی میانبر برای رسیدن به این هدف بود تا با کسب فناوری و امکانات لازم بتواند در صورت تهدید موجودیتی با برخورداری از توانایی تولید سلاح اتمی و نه لزوماً ساخت آن نسبت به حفظ ثبات و امنیت خود در منطقه پرآشوب خاورمیانه در گرماگرم جنگ سرد اقدام نماید. خطوط قرمز ژئوپلیتیکی آمریکا در برنامه هسته‌ای ایران

آیزنهاور از حمله ناگهانی ارتش سرخ به مرزهای ایران و تکرار حوادثی مانند غائله اذربایجان که می‌توانست ایران را به دام کمونیسم بیندازد وحشت داشت و برای حفظ منافع آمریکا در نظر داشت پایگاه‌های نظامی اتمی را در ایران برای مهار شوروی تأسیس کند که با آزمایش بمب هسته‌ای شوروی و اتمام هژمونی اتمی آمریکا، خطوط قرمز ژئوپلیتیک بین دو قدرت قاره‌ای و دریایی در ریملند آسیایی و اروپایی تثبیت شد

(Pourkokhkan, ۲۰۰۳: ۱۱۵). آشنایی ایران با فناوری هسته‌ای با ایده اتم برای صلح آیزنهاور در دهه پنجاه میلادی آغاز شد و راکتور تحقیقاتی تهران در سال ۱۹۶۷ به کمک آمریکا به بهره برداری رسید ولی برنامه جدی اتمی ایران و تشکیل سازمان انرژی اتمی ایران در سال ۱۳۵۳ با اتمی شدن هندوستان و اسرائیل و در جهت جلوگیری از باج خواهی هسته‌ای همسایگان رقم خورد (Chamankar et al., ۲۰۲۴, ۱۰۵-۱۳۰). ادامه استراتژی توسعه طلبانه شوروی در غرب آسیا در خلا قدرت خروج بریتانیا از منطقه با ظهور جنبش‌های چپ در یمن، لیبی و ناصریسم در مصر و اعزام همزمان ناوگان به اقیانوس هند موجب شد تا شاه جهت تداوم و تثبیت جایگاه خود به ارتقای سطح کمی و کیفی ارتش به ایجاد یک بازدارندگی مناسب اقدام نماید (Nemati, ۲۰۱۶: ۱۵). در این دوره شاه هزینه زیادی بابت خریدهای تسلیحاتی به جهت ژاندارمی منطقه به اتکا به افزایش درآمدهای نفتی ناشی از جنگ اعراب و اسرائیل انجام داد که این تقویت قوای نظامی تا آنجا که شامل تسلیحات هسته‌ای نمی‌شد مورد توافق غرب بود (Ghaderi Nasab, ۲۰۲۵: ۱۵۴-۱۳۱). آزمایش هسته‌ای هند نگرانی شاه در باب تغییرات ژئوپلیتیکی ناشی از موازنه قدرت در خاورمیانه را افزایش داد در حالی که آمریکا با نادیده گرفتن نیازهای امنیتی ایران برای جلوگیری از اشاعه اتمی از دستیابی ایران به توانایی‌های هسته‌ای که می‌توانست منتهی به ساخت بمب هسته‌ای گردد جلوگیری می‌کرد

(Gibney, ۲۰۱۵: ۲۵۶). سیاست آمریکا در مورد نقش ایران در منطقه بر اساس نظریه جایگزینی مبتنی بر دترین نیکسون بود که شاه یکی از پایه‌های سیاست دو ستونی محسوب می‌شد. در این سیاست آمریکا با استفاده از تجارب تلخ کره و ویتنام از هرگونه اعزام مستقیم نیرو اجتناب می‌کرد و فقط با اعطای کمک‌های نظامی به متحدان آنها را در مقابل توسعه طلبی کمونیسم یاری می‌داد تا ابزاری جهت تامین امنیت خود و منافع غرب باشند (Nemati, ۲۰۱۶: ۱۳). کمک آمریکا به ایران برای ورود به عصر اتم پس از جنگ دوم جهانی را هم می‌توان در همین راستا دید که بدون انتقال فناوری و به کمک مستشاران آمریکایی صورت گرفت تا پاسخی به اتمی شدن کشورهای بلوک شرق توسط شوروی باشد

(Rezaei et al., ۲۰۲۲: ۱۵۱-۱۷۸) با این حال با توجه به اهمیت فناوری هسته‌ای و این که سوخت مصرف شده دارای مواد رادیواکتیو با کاربری نظامی است، آمریکا خواستار تحمیل مقاصد سیاسی و اقتصادی خود در معاملات هسته‌ای با ایران بود، لذا به غیر از موافقتنامه همکاری هسته‌ای مورخ ۱۳۳۵/۱۱۲/۱۴، موافقت نامه دیگری با وجود مذاکرات متعدد امضا نشد و نه تنها در این موافقت نامه اختیار اطلاعات محرمانه و مواد هسته‌ای به ایران داده نشد، بلکه محدودیت‌های بیشتری در این زمینه در دو اصلاحیه این موافقت نامه در تاریخ‌های ۱۳۴۳/۳/۱۸ و ۱۳۴۷/۱۰/۲۹ اعمال گردید

(Nemati, ۲۰۱۶: ۱۱۲-۱۱۹) مشکل اصلی آمریکا با برنامه اتمی ایران تغییری بود که می‌توانست در ارتقا جایگاه ژئوپولیتیک آن کشور ایفا کند، چون فناوری هسته‌ای ماهیت دوگانه دارد و دستیابی به چنین فناوری هژمونی غرب را به چالش می‌کشد، چون کشورها با کسب قدرت ناشی از دستیابی به فناوری هسته‌ای خواستار نقش بیشتری در معادلات منطقه‌ای و جهانی می‌شدند که می‌توانست در تضاد با منافع غرب قرار گیرد، لذا نگرش کلان آمریکا در قبال فناوری هسته‌ای دو سویه بود، یعنی با آنکه تحت تاثیر عوامل اقتصادی و فشار شرکت‌های غربی متحدین را تشویق به خرید محصولات و تجهیزات فناوری هسته‌ای می‌نمود، ولی از دستیابی آنها به این فناوری به دلایل امنیتی با رویکردی واقع گرایانه جلوگیری می‌کرد (Rafsanjaninejad, ۲۰۱۹: ۱۶۲-۱۷۰). اکبر اعتماد بیان می‌کند به علل سیاسی کشورهای غیر برخوردار مایل به خرید نیروگاه از آمریکا و شوروی نبودند، چون آنها

فناوری اتمی را ابزار اعمال قدرت خود در مقابل کشورهای دیگر قرار داده بودند و شرایطی را بر کشورهای طرف معامله خود تحمیل می‌کردند تا بر برنامه اتمی آنها کنترل داشته باشند، بخصوص که آمریکا بعد از انفجار اتمی هند در بهار ۱۹۷۴ روند موافقت نامه‌های خود را سخت کرد و حاضر به توافق با ایجاد چرخه کامل سوخت هسته‌ای در ایران به دلیل کاربرد دوگانه آن نبود که موجب شد مذاکرات هسته‌ای جهت رسیدن به توافق در چند دولت آمریکا به درازا بکشد. (Yazdani Rad, ۲۰۱۹: ۲۵۰-۲۵۷) کندی با درک خطر افزایش کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای دکترین هسته‌ای سختگیرانه‌ای را در پیش گرفت که بعد از ترور او هم ادامه یافت. در دوره نیکسون رقابت تسلیحات اتمی به اوج خود رسید. و او با سیاست تنش زدایی با شوروی خواستار کنترل مسابقه تسلیحات اتمی شد و با فروش اسلحه به جای کمک تسلیحاتی به متحدان به کاهش فشار مالی به آمریکا کمک کرد و بزرگترین قراردادهای نظامی و هسته‌ای را با شاه منعقد نمود. فوررد با ادامه سیاست‌های نیکسون سعی در به سرانجام رساندن قراردادهای پرسود تجاری در زمینه انرژی با ایران داشت و موافقت ضمنی خود را برای در اختیار گذاشتن نیروگاه‌های اتمی با نظارت آمریکا به جهت عدم انحراف از ساخت سلاح اتمی اعلام نمود ولی نگاه کارتر به منطقه بیشتر امنیتی بود و سیاست کنترل عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای بخصوص در مناطق ژئوپلیتیکی که می‌توانست منجر به حوادث غیر قابل جبران شود را در زمینه محدود سازی غنی سازی و بازفرآوری سوخت هسته‌ای افزایش داد و فروش و انتقال فناوری‌هایی با ماهیت دوگانه که می‌توانست در ساخت سلاح هسته‌ای کاربرد داشته باشد را ممنوع کرد تا امضای نهایی قراردادهای اتمی بین ایران و آمریکا به مدت بیش چهار سال به درازا بکشد و با وقوع انقلاب به نتیجه‌ای نرسد. (Yasini et al., ۲۰۱۵: ۱۳۳-۱۸۹)

در اسناد از طبقه بندی خارج شده آرشیو ملی آمریکا می‌توان نگرانی آن کشور از برنامه هسته‌ای ایران را دید. روز شمار وزارت دفاع آمریکا در اول ژوئن ۱۹۷۴ از توانایی راکتورهای خریداری شده توسط ایران برای تولید پلوتونیوم کافی برای تعداد زیادی کلاهک هسته‌ای خبر می‌دهد (Gibney, ۲۰۱۵: ۹۸). آمریکا درخواست شاه را برای داشتن چرخه کامل سوخت هسته‌ای جاه طلبانه میدانست و صرفاً حاضر به مذاکره برای فروش راکتور به ایران مطابق با سیاست‌های کلی هسته‌ای آمریکا بود و بر انجام فرایندهای بازفرآوری سوخت مصرفی در بیرون از خاک ایران تاکید داشت تا ایران به

پلوتونیوم دست پیدا نکند (, D۲۰۰۹NSA: ۴). اسنادی دیگر نشان از ایده روند بازفرآوری سوخت هسته‌ای توسط شراکت دو یا چند کشور با نظارت آمریکا در کشوری ثالث برای جلوگیری از اشاعه ساخت سلاح هسته‌ای مورد نظر آمریکا بود که به دلیل تعارض با منافع ایران مورد قبول شاه قرار نگرفت (, D۲۰۰۹NSA: a-b۱۹). در سال ۱۹۷۴ ایران قراردادی با شرکت آلمانی کرافت ورک یونیون برای ساخت دو نیروگاه اتمی در بوشهر و آموزش‌های لازم کارکنان در کنار تامین سوخت ۳۰ ساله نیروگاه‌ها منعقد کرد و مطابق توافق مطالعات برای ساخت نیروگاه‌های دیگر نیز در دستور کار قرار گرفت (Deputy of International Relations Research, Nuclear Diplomacy, ۲۰۰۶: ۳۱۰). تامین سوخت این نیروگاه‌ها بدون مانع تراشی‌های رایج آمریکا در مذاکرات هسته‌ای بود و مواضع غیر مستحکم آلمانی‌ها در قبال بازفرآوری سوخت هسته‌ای مصرف شده در ایران مورد اعتراض آمریکا قرار گرفت در حالی که طرف آلمانی مدعی ایجاد سازکار مناسب با نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود (, D۲۰۰۹NSA: ۲۰). ایران همچنین در سال ۱۹۷۴ برای اطمینان از تامین سوخت مصرفی برای راکتورهای در حال ساخت خود در بلند مدت، اقدام به خرید ۱۰ درصد از سهام شرکت غنی‌سازی اورودیف از فرانسه نمود که امکان دستیابی به ۲۷۰ تن اورانیوم ۳،۶۷ درصد غنی شده در سال را برای ایران فراهم می‌کرد (History of Nuclear Energy in Iran and the World, ۲۰۰۷: ۴۹). ایران که به توافقات با شرکای آلمانی و فرانسوی در برنامه هسته‌ای دلگرم شده بود، سخت‌گیری‌های آمریکا درباره سوخت مصرفی تامینی راکتورهای خریداری شده از آمریکا را نپذیرفت و اعلام کرد که مایل به انجام کلیه مراحل بازفرآوری در ایران می‌باشد، چون آن را بخشی از چرخه سوخت هسته‌ای می‌دانست که ایران حق نظارت و راه اندازی آن را داشت ولی آمریکا آن را افراطی می‌دانست (, D۲۰۰۹NSA: ۲۱). با اصرار شاه بر روی موضوع بازفرآوری که ناشی از عدم پذیرش رفتار تبعیض آمیز آمریکا بود، در پیش نویس قرار داد ایران از آن محروم نشد، ولی بر روی گزینه‌های دیگر مانند بازخرید سوخت مصرفی یا بازفرآوری از طریق کشوری سوم تاکید گردید. ایران همچنین خواستار تضمین سوخت راکتورهای فروخته شده از سوی آمریکا بود که این نیز به بهانه محدودیت‌های عملی و قانونی مورد موافقت طرف آمریکایی قرار نگرفت (, D۲۰۰۹NSA: ۲۲). سندی دیگر در آرشیو وزارت امور خارجه

آمریکا نیز نشان می‌دهد، کسینجر در مذاکره با شاه انجام عمل بازفراوری سوخت مصرفی در ایران را به طور مستقل مورد تایید آمریکا ندانست و به ایران جایگزین‌هایی مانند بازخرید، ایجاد تاسیسات چند ملیتی یا انجام بازفراوری در کشور ثالث را پیشنهاد داد و حتی حاضر به جبران ضرر مالی بازخرید سوخت مصرفی شد تا بازفراوری در داخل ایران آخرین امکانی باشد که در عمل روی کاغذ می‌ماند (NSA، ۲۰۰۹: ۲۳). شاه خواستار کلیه حقوق ایران به استناد به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بود ولی دولت‌های آمریکا با ترس از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای با آن مخالف بودند، چون کارشناسان هسته‌ای ایالات متحده معتقد بودند شاه با ایجاد زیر ساخت‌های هسته‌ای، قرارداد یورودیف و انعقاد قرارداد با آفریقای جنوبی، تحقیقات برای تولید سلاح را در مرکز تحقیقات هسته‌ای امیرآباد تهران آغاز کرده است (History of nuclear energy in Iran and the world، ۲۰۰۷: ۴۹). از نظر آمریکایی‌ها شکی در تمایل شاه به هسته‌ای شدن نبود. او ثبات منطقه در گرو ثبات ایران می‌دانست و میلیون‌ها دلار برای خریدهای نظامی و فناوری هسته‌ای هزینه کرد. او حاضر به ارائه تضمین‌های کافی برای رفع نگرانی دولت آمریکا از عدم اشاعه تسلیحات اتمی با پذیرش محدودیت‌هایی در زمینه غنی سازی و بازفراوری نشد بلکه خواهان حقوق کامل ایران تحت ان.پی.تی بود و بر دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای اصرار داشت، لذا شرکت‌های آمریکایی از هرگونه معامله اتمی با ایران منع شدند.

ایران به پشتوانه فرهنگ، تاریخ و جغرافیا از دیرباز مهمترین قدرت منطقه بوده و با حضوری راهبردی توان ایجاد تغییراتی در موازنه قدرت را داشته که این موجب محدودیت‌هایی از طرف بازیگران پیرامونی شده است. شاه با وجود نزدیکی به بلوک غرب در جنگ سرد با در پیش گیری سیاست مستقل ملی به اخذ تصمیماتی در زمینه‌های مختلف از جمله توسعه برنامه اتمی دست زد که می‌توانست موجب تغییراتی در ژئوپلیتیک منطقه گردد که خارج از نقش ایران در منطقه حائل بین هارتلند و ریملند بین دو قدرت بود و به دلیل خطوط قرمز ناشی از نظام قدرت جهانی و ذات تهاجمی سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ با آن مقابله شد تا شاه نتواند از یک شریک به متحدی استراتژیک تبدیل شود و به قول برژنسکی در کتابش به نام انتخاب، ایران انتخابش را کرد ولی ایرانی که ژاندارم منطقه بود هم اجازه خارج شدن از محدودیت‌ها را نداشت.

نتیجه‌گیری

ایران در اوج جنگ سرد ایران در کمر بند شکننده بین دو قدرت قاره‌ای و دریایی واقع شد در حالی که در نبود یک ساز و کار امنیت منطقه‌ای مناسب، مورد حمایت اتمی هیچ یک از قدرت‌ها نبود. در این شرایط شاه به سیاست مستقل ملی مبتنی بر دیدی واقع گرایانه روی آورد تا با فرصت ایجاد شده از جنگ ویتنام که دو ابر قدرت را درگیر بحران‌های آسیای جنوب شرقی کرده بود و خروج بریتانیا از خلیج فارس و شرق سوئز با معرفی خود به عنوان ژاندارم منطقه قسمتی از درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت در نتیجه درگیری‌های بین اعراب و اسرائیل را صرف امور نظامی و انتظامی برای حفظ امنیت در ابعاد داخلی و خارجی برای تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی ایران نماید. بخصوص که با اتمی شدن هند و اسرائیل و تسلیح عراق ایجاد توازن قوا به وسیله سلاح‌های متعارف با دشواری‌هایی روبرو شد و در این راه صنعت هسته‌ای ابزاری مناسبی برای ترمیم قدرت منطقه‌ای ایران و راهکار میانبری برای محرومیت زدایی از جامعه در حال گذار ایران بود. سبد انرژی محدود ایران که اغلب شامل سوخت‌های فسیلی می‌شد، امکان پاسخ گویی به ازدیاد جمعیت و اقتصاد رو به رشد ایران را نداشت و در نبود امنیت انرژی، نظم عمومی به راحتی در خطر می‌افتاد و فناوری اتمی یکی از پاسخ‌های به روز برای رفع این نیاز بود در حالی که ایران می‌توانست از سایر مزایای صلح آمیز فناوری هسته‌ای در بخش‌های پزشکی، درمانی، صنعتی و کشاورزی برای جبران کمبودها و کاستی‌های دراز مدت خود استفاده کند که دستیابی به این فناوری را گریز ناپذیر می‌نمود تا در کنار این مزایا بتواند با تسلط بر این فناوری و در صورت لزوم به نقطه فرار هسته‌ای بدون ساخت سلاح هسته‌ای برسد تا از امنیت ملی و تمامیت ارضی در منطقه پر آشوب غرب آسیا محافظت نماید، لذا برنامه هسته‌ای ایران در آن دوران با توجه به رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی به عنوان ابزاری برای بهبود جایگاه ژئوپلیتیکی در جهت توسعه ملی و اهرمی بازدارنده از نظر نظامی برای ارتقا جایگاه امنیتی کشور تعریف شد. این برنامه در ابتدا به واسطه منافع اقتصادی و جلوگیری از نفوذ کمونیسم مورد توجه غرب قرار گرفت، ولی اصرار ایران بر تمامی حقوق خود در فناوری هسته‌ای برای دستیابی به چرخه کامل سوخت اتمی که در معاهده ان.پی.تی به آن تصریح شده بود، عبور از خط قرمزهایی در نظر گرفته شد که می‌توانست موجب تغییرات ژئوپلیتیکی شود و با آن مخالفت گردید

تا با کارشکنی، برنامه هسته‌ای ایران با دشواری‌های زیادی روبرو شود ولی با این حال توانست زیرساخت‌های آتی بسیاری از فعالیت‌های اتمی ایران را فراهم کند.

فهرست منابع:

- Afkhami, G. R. (۲۰۰۹). The life and times of the Shah. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Alikhani, A. (۲۰۰۱). Memoirs of Alam (Vol. ۲). Tehran: Maziar & Moein. (in Persian)
- Alikhani Sadr, M. (۲۰۰۹). Fifty years of nuclear technology in Iran. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. (in Persian)
- Ansari, A. (۲۰۱۴). Geopolitics of Iran's nuclear program. Middle Eastern Studies, ۵۰(۳), ۳۴۵-۳۶۲.
- Arayaghzandi, D. (۲۰۰۸). Iran and the nuclear issue: A collection of articles. Tehran: Strategic Research Institute. (in Persian)
- Azghandi, A. (۲۰۰۴). Foreign relations of Iran: ۱۹۴۱-۱۹۷۹. Tehran: Qoums. (in Persian)
- Azghandi, A. (۲۰۱۲). Frameworks and orientations of the Islamic Republic of Iran's foreign policy (۲nd ed.). Tehran: Qoums. (in Persian)
- Baghban, R. (۲۰۲۲). The secret war against Iran (H. Jajarmi & A. Salimi-Namin, Trans.). Tehran: Office for the Study and Compilation of Iranian History. (in Persian)
- Brzezinski, Z. (۱۹۸۶). Game plan: A geostrategic framework for the conduct of the U.S.-Soviet contest. New York: Atlantic Monthly Press.
- Chamankar, M. J. (۲۰۲۵). Economic and security factors in the development of Iran's nuclear program during the Pahlavi era. Police History Studies, ۴۲(۳), ۱۰۵-۱۳۰. (in Persian)
- Cohen, S. B. (۲۰۱۷). The geopolitics of the world system (Vol. ۱). Tehran: Imam Hossein University Press. (in Persian)

Collective of Diplomats at Ministry of Foreign Affairs. (۲۰۱۱). History of nuclear energy in Iran and the world. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (in Persian)

Crowe, J. (۲۰۱۳). Iran and nuclear energy: Past and future. Palgrave Macmillan.

Delavarpour Aghdam, M. (۲۰۰۸). Nuclear Iran: A symbol of national will versus hegemonic power. Tehran: Center for Strategic Studies of Parliament. (in Persian)

Eisenstadt, M., & Brown, E. H. (Eds.). (۲۰۱۶). Nuclear Iran: Threat and responses. Washington, D.C.: Washington Institute for Near East Policy.

Ettehad, E. (۱۹۹۷). Iran's nuclear energy program: Efforts and tensions. Tehran: Foundation for Iranian Studies. (in Persian)

Fairgrieve, J. (۱۹۸۹). Geography and world power. London: Butterworth.

Ghadari Nasab, M. H., Rafiei, A. T., & Jadidi, H. R. (۲۰۲۰). The link between Mohammad Reza Shah's arms purchases and the presence of American and British advisors in Iran. *Police History Studies*, ۴۰(۱), ۱۳۱–۱۵۴. (in Persian)

Ghanbari, L. (۲۰۱۸). Geo-economy: Energy security and diplomacy, Iran's geo-economic position and developmental foreign policy. Tehran: Ava Books. (in Persian)

Gibney, J. (۲۰۱۰, March ۲). Iran's Shah wanted nukes, too. Retrieved from <http://www.bloombergview.com/articles/۲۰۱۰-۰۳-۰۲/iran-s-shah-wanted-nukes-too>

Heikal, M. H. (۲۰۱۴). Revisiting history (A. Mousavi Khakali, Trans.). Tehran: Mitra Publications. (in Persian)

History of nuclear energy in Iran and the world. (۲۰۰۷). Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (in Persian)

Hosseini, A. (۲۰۱۹). Geographical impacts on Iran's nuclear program. *Journal of Geography and Spatial Planning*, (۱۲), ۴۵–۶۰. (in Persian)

Jonier, D. (۲۰۱۷). Iran's nuclear program and international law: From confrontation to agreement (S. H. Sadat Meydani, Y. Salarian, & M. Khalili T., Trans.). Tehran: Ministry of Foreign Affairs. (in Persian)

Karimi, M. (۲۰۱۸). Years of trust: Memoirs of Dr. Akbar Etemad. Tehran: Arvan Publishing. (in Persian)

Kooshki, M. S., & Mirhosseini, F. (۲۰۲۱). Nuclear technology in West Asia. Tehran: Maaref Publications. (in Persian)

Levi, M. A., et al. (۲۰۱۲). Iran's nuclear challenge: Security, strategy, and politics. New York: Council on Foreign Relations Press.

Little, R. (۲۰۱۰). Balance of power theory and its transformations (G. Chegini Zadeh, Trans.). Tehran: Abrar Moaser International Studies Institute. (in Persian)

Mackinder, H. J. (۱۹۴۳). The round world and the winning of the peace. Foreign Affairs, ۲۱(۴), ۵۹۵-۶۰۵.

Makglynchi, S. (۲۰۲۱). America and the Shah: Thirty years of arms deals (M. Shamsoddin Abdollahinezhad, Trans.). Tehran: Ghoghnoos. (in Persian)

Mahan, A. T. (۱۸۹۰). The influence of sea power upon history: ۱۶۶۰-۱۷۸۳. Boston: Little, Brown.

Milani, A. (۲۰۱۵). The Shah. Toronto: Persian Circle Press. (in Persian)

Ministry of Foreign Affairs Research Department. (۲۰۰۶). Nuclear diplomacy. Tehran: Center for Strategic Research. (in Persian)

Mirmirani, M. R. (۲۰۱۸). Political geography of Iran. Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)

Misbahi, M. (۲۰۲۵). Iran's strategic loneliness: From geopolitical dilemma to nuclear crisis (A. Ne'matpour, Ed. & Trans., ۲nd ed). Tehran: Pileh Publications. (in Persian)

National Security Archive. Document ۴: "Minimize proliferation risks." Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb۲۶۸/>

National Security Archive. Document ۱۹a-b: "Proliferation is anathema to Iran." Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb۲۶۸/>

National Security Archive. Document ۲۰: "The Iran–West German agreement." Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb۲۶۸/>

National Security Archive. Document ۲۱: "Iran shall have full right to decide." Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb۲۶۸/>

National Security Archive. Document ۲۲: "How we gave the farm away?" Available at: <http://nsarchive.gwu.edu/nukevault/ebb۲۶۸/>

Nikookar, M. (۲۰۲۳). Historical geography and national security of Iran. *Journal of National Security Studies*, (۵), ۲۳–۳۷. (in Persian)

Pahlavi, M. R. (۱۹۹۶). Answer to history (Sh. Makan, Ed.). Tehran: Aseman. (in Persian)

Parker, J. W. (۲۰۱۲). Iran's nuclear program: A study in proliferation and diplomacy. New York: Routledge.

Rafsanjani-Nejad, S. (۲۰۱۹). Britain's role in Iran's nuclear file. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. (in Persian)

Razavi, D., Sharifi, M., & Jahanfar, R. (۲۰۲۲). Analysis of U.S. security infiltration during the Pahlavi era. *Police History Studies*, ۳۵(۴), ۱۵۱–۱۷۸. (in Persian)

Seversky, A. de. (۱۹۵۰). Air power: Key to survival. New York: Simon & Schuster.

Spykman, N. (۱۹۴۶). America's strategy in world politics: The United States and the balance of power. New York: Harcourt, Brace.

Tarom Sari, M., et al. (۱۹۸۵). Iran–China relations. Tehran: Bureau for Political and International Studies. (in Persian)

Tavakkolpour Kukhdan, M. H. (۱۹۹۶). Legal analysis of Iran's nuclear issue. Tehran: Center for Islamic Revolution Documents. (in Persian)

Vaziri, H. (۱۹۹۹). Iran's pursuit of nuclear weapons (H. A. Balouchi, Trans.). Quarterly of National Security, ۱(۲), ۱۱۲-۱۳۰. (in Persian)

Walsh, E. (۱۹۴۴). Geopolitics and international morals. In H. W. Weigett & V. Stefansson (Eds.), *Compass of the world* (pp. ۱۲-۳۹). New York: Macmillan.

Yassini, S. H., & Nikseresht, E. (۲۰۱۵). Iran's nuclear strategy during the second Pahlavi era: A realist perspective. *Journal of Foreign Relations History*, ۱۶(۶۲), ۱۳۳-۱۸۹. (in Persian)

Yazdani Rad, M. (۲۰۱۹). *On the brink of disaster: Biography of Akbar Etemad, founder of Iran's Atomic Energy Organization*. Tehran: National Archives and Library of Iran, Akhtaran Publishing. (in Persian)